بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاهها - 9 /مهر/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

اولاً به همه ی برادران و خواهران خوش آمد عرض میکنیم و از دوستانی که تشریف آوردند اینجا و به بیان نقطه نظرهای خودشان در زمینه های مختلف پرداختند، تشکر میکنیم. از جناب آقای دکتر لاریجانی هم که جلسه را خوب اداره کردند، متشکریم.

گرچه من مکرر در این جلسه - در سالهای گذشته و جلسات شبیه این - گفته ام یك جنبه ی نمادینی در این جلسه ی سالیانه ی ما هست ؛ یعنی میخواهیم که این دیدار مظهر احترام نظام به اساتید و دانشگاهیان و محققان و پژوهشگران کشور باشد ؛ لیکن هیچ نباید تصور کرد که این جلسه جنبه ی نمایشی دارد ؛ بلکه بعکس، برداشت و توقع این است که طرح موضوعات در این جلسه بتواند مجموعه ی تصمیم گیران نظام را - وزرای محترم، مسئولان گوناگون، خودِ ما که اینجا هستیم - هدایت کند به آنچه که شایسته ی کار علمی و دانشگاهی و پیشرفت در این زمینه هست. این که عرض کردیم «مایلم بشنوم»، از این جهت است. فرض بر این است که استاد محترمی که اینجا بناست صحبت کنند، بررسی کرده اند و در مجموعه ی وضعیت کنونی علم و دانشگاه در کشور یك نکته ی قابل طرحی به ذهنشان رسیده و اینجا آن را مطرح میکنند ؛ این را ما از این جلسه توقع داریم. البته مطالب خوبی هم گفته شد.

چرا ما این اهتمام و این انگیزش را در زمینه ی مسائل مربوط به دانشگاه و دانش و پژوهش به خرج میدهیم؟ چون عقبیم ؛ عقب نگه داشته شدیم. و چون پیشرفت ما، عزت ما، هویت ملی و اسلامی ما وابسته به این است که در این بخش کار جدی کنیم. این علتش است. ما فرق داریم با فلان کشوری که فرض بفرمائید از یك تمدن کوتاه مدت برخوردار است. بعضی از کشورها در منطقه ی ما هستند که همه ی موجودیت اینها به عنوان یك کشور به صدسال نمیرسد ؛ اصلاً چنین هویت جغرافیائی ای در صد سال گذشته به این معنا و به این نام وجود نداشته و بعضی از ملتها هم در همین منطقه ی ما هستند که هیچ سابقه ی قابل ذکری در تاریخ ندارند. در جاهای دیگر دنیا هم هستند ؛ در امریکای لاتین، در اروپا و در جاهای مختلف دیگر اینجور کشورهائی وجود دارند. اما کشور و ملت ما یك کشور ریشه دار است ؛ ما در تاریخ، ریشه داریم ؛ ما سابقه داریم ؛ ما تازه نروئیدیم ؛ از گذشته ی خودمان هم میتوانیم تغذیه بشویم و باید تغذیه میشدیم . اگر چنانچه با نواخت و آهنگ رشد علم بعد از اسلام تا قرنهای پنجم و ششم و هفتم هجری به این کشور نگاه کنید، اگر با آن نواخت ما پیش میرفتیم، امروز در قله بودیم. با آن آهنگ و با آن نواخت پیش نرفتیم ؛ چرا نرفتیم؟ خوب، جای بررسی و تحلیل دارد ؛ حکومتها ناباب بودند، همتها کوتاه بود، بعد در دورانهای دویست سیصد سال اخیر عوامل خارجی تأثیر گذاشته و بالاخره واقعیت این است که: ما با آن نواخت حرکت نکردیم، بلکه به طرف حضیض هم رفتیم.

حالا میخواهیم جبران کنیم. حالا حکومت، حکومتی است لایق، با کفایت ؛ ملت، ملتی است بیدار ؛ نخبگان، نخبگانی هستند میداندار و صحنه گردان ؛ حالا میخواهیم جبران کنیم. خوب، یك وقت سند چشم انداز را به عنوان یك سند شناسنامه ی افتخار در جیب میگذاریم و گاهی به سر و دست میگیریم، یك وقت هست نه، سند چشم انداز را به عنوان یك دستورالعمل به حساب می آوریم و برای جزء جزء آن، راه کار پیدا میکنیم. اگر ما بخواهیم الهام بخش باشیم، در منطقه مرجع علمی باشیم، این راه کار دارد. راه کارش را در سند چشم انداز ما نباید معین کنیم، مسئولان در منطقه ی اجرا باید اینها را مشخص کنند ؛ اصرار ما این است. ما میخواهیم این کار در زمینه ی مسائل علم و

پژوهش به صورت درست، به صورت خوب و کامل انجام بگیرد. علت این اهتمام و این انگیزش این است.

در این زمینه البته حرفهائی و توصیه هائی هست که ما آن توصیه ها را در این جلسات معمولاً عرض میکنیم، امروز هم من چند نکته را عرض میکنم:

یك نکته در مورد نقشه ی جامع علمی است. من اینجا یادداشت کرده بودم که این را ذکر بکنم، خوشبختانه دیدم سه چهار نفر از سخنرانان امروز در ضمن بیاناتشان به همین مسئله ی نقشه ی جامع علمی اشاره کردند، یك توضیحی هم آقای دکتر لاریجانی دادند که حکایت میکند از اینکه تلاشهائی در جریان هست برای اینکه این نقشه ی جامع علمی فراهم بشود و ارائه بشود و به عنوان دستورالعمل برای برنامه ریزیهای علمی آینده قرار بگیرد. این مژده ی خوبی است ؛ لیکن من تا قبل از اینکه این را از ایشان بشنوم، چنین اطلاعی نداشتم و ندارم. من میدانم در شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد این کار میشود ؛ یعنی در یك کمیته هائی مطرح است ؛ لیکن آنچه که توقع هست، آنچه که به نظر ما بایسته است که انجام بگیرد، او این نیست که این کار تأخیر بیفتد و طول بکشد ؛ یك سال، دو سال بنشینیم تا بالاخره یك نقشه ی جامع علمی فراهم کنیم ؛ نه، این را فرزانگان، نخبگان، برجستگان، به ابتکار شورای عالی انقلاب فرهنگی باید بنشینند تمام کنند و یك چیز پخته و کاملی از آب در بیاورند تا بر اساس آن بشود برنامه ریزی علمی برای دانشگاهها و برای آینده ی کشور کرد. من همین جا این را هم به وزرای محترم، هم به مسئولان محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی که در اینجا تشریف دارند، توصیه میکنم که این مسئله دنبال شود.

ما اگر بخواهیم سند چشم انداز تحقق پیدا کند و آن مرجعیت علمی که برای کشور پیش بینی شده، به وجود بیاید و عملی بشود، ناچاریم که این کارها را انجام بدهیم، که مهمترینش تهیه ی نقشه ی جامع علمی است. این یعنی یك گام مهم، یك دروازه ی مهم به سوی اجرائی کردن اهداف و شعارهائی است که مطرح شده و امروز بحمدالله در محیطهای علمی به صورت یك گفتمان در آمده است.

نکته ی دیگری که بخصوص مربوط به اساتید محترم هست، این است که اساتید باید یکی از اهتمامهایشان شاگردپروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردانِ اوست. در حوزه های علمیه ی ما هم همینطور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشمها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه ی برجسته ی او، خودش را نشان بدهد. شاگردپروری کنید. این افرادی که می آیند در کلاسهای درس شما - چه در دوره های کارشناسی، چه در دوره های تحصیلات تکمیلی - می نشینند و شما با اینها به عنوان استاد مواجه میشوید، اینها را نباید به حساب یك مستمع یك سخنرانی، یك منبر به حساب آورد ؛ نه، باید مثل مصنوعی که اینها را میخواهید با دست خودتان بسازید، با اینها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوقها یکسان نیست، زمینه ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست ؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یك هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سر کلاس حاضر میشود ؛ آنی است که به وسیله ی شما ساخته میشود و تحویل داده میشود به دنیای علم به عنوان یك نیروی کارآمد و علمی.

همین جا من اشاره کنم به مسئله ی حضور اساتید در دانشگاهها که جزو مقررات دانشگاهی شد، که اساتید ساعات معینی را در هفته حتماً در دانشگاهها باشند. این خیلی چیز مهمی است ؛ این را نباید دست کم گرفت. یکی از مطالبی که بنده در این سه چهار سال اخیر مکرراً گفته ام - از بس تکرار شد، نمیخواستم بار دیگر بگویم - مسئله ی نشستن استاد با دانشجوست ؛ پاسخ به سؤال گفتن. یعنی ارتباط استاد و دانشجو به سر کلاس منحصر نماند و دانشجو فرصت داشته باشد که به استاد مراجعه کند، از او بپرسد، از او توضیح بخواهد، از او بیشتر فرا بگیرد ؛ بلکه در مواردی استاد، شاگرد را بخواهد در اطاق خود و یك نکته اضافی و تکمیلی را به او تفهیم کند یا یك تکلیف را از او

بخواهد، يك مأموريت علمى و تحقيقى به او بدهد، كه همه ى اينها متوقف است بر حضور اساتيد در دانشگاهها. يك روز ميگفتيم استاد كم داريم، امروز بحمداللّه اساتيد خوب در كشور كم نيستند ؛ تعداد استاد نسبت به دانشجو بحمداللّه تعداد خوبى است، تعداد قابل قبولى است. اين را به نظر من بايد اهميت داد. پرورش دانشجو - كه به نظر من پرورش شاگرد و نخبه پرورى است - در كلاس درس، يك بخشش متوقف به همين حضور چندين ساعته ى اساتيد - چهل ساعته كه در مقررات هست - در دانشگاههاست. يعنى اساتيد بايد اين را جدى بگيرند و به آن اهميت بدهند.

يك مسئله ى ديگر - كه البته اين مسئله تكرارى است كه من عرض ميكنم، ليكن از بس اهميت دارد، مجددا ميگويم - مسئله ى تحقيق و پژوهش است. ما هم در جلسه ى دولت به دولتيها سفارش كرديم و گفتيم، هم در جلسات خصوصى با برخى از مسئولان مثل خود آقاى رئيس جمهور گفتيم ؛ ليكن يك بخش ديگر قضيه، مربوط به خود دانشگاههاست كه اين اعتباراتِ مربوط به تحقيق و پژوهش را درست جذب كنند ؛ درست مصرف كنند ؛ در جاى خود به كار ببندند ؛ چون تحقيق، منبع تغذيه ى آموزش است. ما اگر تحقيق را جدى نگيريم، باز سالهاى متمادى بايستى چشم به منابع خارجى بدوزيم و منتظر بمانيم كه يك نفر در يك گوشه ى دنيا تحقيقى بكند و ما از او يا از آثار تأليفى بر اساس تحقيق او استفاده كنيم و اينجا آموزش بدهيم. اين نميشود ؛ اين وابستگى است ؛ اين همان ترجمه گرائى و عدم استقلال شخصيت علمى براى يك كشور و براى يك مجموعه ى دانشگاهى است. دانشگاه يك كشور، محيط علمى يك كشور ضمن اينكه ارتباطات علمى خودش را با دنيا حفظ ميكند، از تبادل علمى، از گرفتن علمى هيچ ابائى ندارد. من بارها گفته ام كه ما از شاگردى ننگمان نميكند كه شاگردى كنيم ؛ استاد پيدا بشود، ما پيش او شاگردى ميكنيم ؛ اما از اين ننگمان ميشود كه هميشه و در همه ى موارد شاگرد باقى بمانيم ؛ اين كه نميشود. براى يك مجموعه ى علمى، اين مايه ى منقصت است كه در پژوهش و تحقيق كه منشأ و منبع رويش علمى است، ضعيف باشد ؛ بايد بتواند از لحاظ علمى متكى به خود باشد. البته از ديگران هم استفاده كند، با دنيا هم تبادل كند، آن وقت در اين صورت جايگاه شايسته ى خودش را هم در تبادلهاى علمى در دنيا پيدا خواهد كرد ؛ وقتى متكى است به دانش و تحقيق و كاركرد علمىِ خود. اين در دنيا و در مبادلات علمى هم تأثير خودش را ميگذارد. اين هم تأكيد چندباره درباره ى تحقيق.

چون دوستانِ مربوط به دفتر نهاد نمايندگى رهبرى در جلسه تشريف دارند، جمله اى هم به آقايان عرض بكنيم:

آقايانى كه در دانشگاهها به عنوان روحانيونى كه با خصوصيت و عنوان دفتر نهاد نمايندگى شناخته ميشوند، بايد خودشان را مسئول اصلى و نهائى ارتقاء دينى در دانشگاه بدانند. ما به مديريتهاى دانشگاهى و به شوراى عالى انقلاب فرهنگى هميشه سفارش كرده ايم كه در زمينه ى دينى كردن دانشگاه و محيط دانشگاه وظيفه و مسئوليت دارند ؛ آن به جاى خود محفوظ، اما اگر همه ى تمهيدات لازم انجام بگيرد، ولى روحانى اى كه در دانشگاه مستقر است، منشأ و منبع و مرجع يك فكر عميق و اصيل و مستدل و تحسين برانگيز و قانع كننده ى دينى از نظر دانشجوها نباشد، همه ى آن تمهيدات بى فايده خواهد بود. بايد پى در پى در محيط دانشگاه فكر دينىِ نو و مستدل عرضه كنيد و فكر دينى دانشجويان را ارتقاء بدهيد. مخاطبان خود را هم فقط دانشجويان متدين و مذهبى و حزب اللهى ندانيد ؛ خوب، آنها كه البته هستند. مخاطبان شما همه ى بدنه ى دانشجوئى كشورند ؛ حتّى كسانى كه در دل با دين خيلى ميانه اى هم ندارند، اينها هم مخاطب شمايند ؛ آنها را هم بايستى جذب كنيد و با منطق قوى و اعتماد به نفس و اعتماد به اين منطق ميتوان دلها را جذب كرد، عنادها را حتّى كم كرد يا در موارد زيادى از بين برد.

همين نمونه اى كه اشاره كردند، همين نمونه ى دانشگاه كلمبيا، نمونه ى خوبى است. انصافا اين منطق قوى و تسلط بر نفس - يعنى روحيه ى خوب، اعتماد به نفس - و اعتماد به اين منطق، كار خودش را كرد. البته پيداست

که تمهیداتی صورت گرفته بود ؛ بیست و چندتا کانال تلویزیونی امریکا و اروپا را بیاورند آنجا که مستقیم مراسم را پخش کنند، با آن کاری که انجام دادند و آن رفتاری که متأسفانه رئیس آن دانشگاه انجام داد که حقاً و انصافاً رفتار نامناسبی بود و رفتار یك شخصیت دانشگاهی نبود ؛ بلکه حتّی رفتار یك آدم باشرف هم نبود. بنابراین پیدا بود که تمهیداتی کرده اند برای اینکه طرف را عصبانی یا شرمنده کنند ؛ منفعل کنند و این را همیشه به عنوان یك سند زنده در جنجالهای تبلیغاتی و سیاسی در دست داشته باشند ؛ ولی خدای متعال این را عکس کرد و درست آنچه که میخواستند انجام بدهند، نقطه ی مقابل آن بحمداللّه انجام گرفت و دیدید که تصدیق و تأیید هم کردند. و من اعتقادم این است که در محیطهای دانشگاهی، همچنان این مسئله به این زودیها در آن کشور از بین نخواهد رفت، به عنوان یك سؤال، به عنوان یك مسئله، به عنوان یك مطلب که چه بود قضیه، ادامه پیدا خواهد کرد.

منطق جمهوری اسلامی، آنجا گفته شد ؛ منطق دین گفته شد ؛ بحث خوبی راجع به نگاه اسلام و دین به علم، نور بودن علم و در دست خدا بودنِ نورافکن علم - که اینها بحثهای خوبی است - مطرح شد. اشتباه میکنند کسانی که فکر میکنند در محیطهای فرنگی - حالا اروپائی، امریکائی - وقتی حضور پیدا میکنند، باید همان حرفهای خودِ آنها را - صد سال است، دویست سال است که از این حرفها دارند میزنند - تکرار کنند و به خودشان بگویند ؛ اینها حرف نشد، اسلام حرف دارد.

امروز حقاً و انصافاً در دنیای فکر و اندیشه - حالا آنهائی که با فکر و اندیشه سر و کار ندارند، با آنها کاری نداریم - یك خلأ و سؤال در دنیای غرب وجود دارد ؛ این خلأ را دیگر پاسخهای لیبرال دموکراسی نمیتواند پر کند، کما اینکه سوسیالیزم نتوانست پر کند. این خلأ را یك منطق انسانی و معنوی میتواند پر کند، که این در اختیار اسلام است. از مرحوم دکتر زریاب که هم دانشگاهی مسلطِ خوبی بود، هم طلبه ی خوبی بود - ایشان دوره ی طلبگی خوبی را گذرانده بود و با علوم اسلامی آشنا بود و شاگرد امام بود - یکی از دوستانمان نقل میکرد - من خودم از ایشان نشنیدم - که یك فرصت مطالعاتی در اواخر عمرش گرفته بود و رفته بود اروپا، بعد که برگشته بود، گفته بود امروز آن چیزی که من در محیطهای عملیِ دانشگاههای اروپا مشاهده کردم، نیاز به ملاصدرا و شیخ انصاری است. شیخ انصاری کارش در حقوق است، فقه است ؛ ملاصدرا حکمت الهی است. میگوید من می بینم امروز اینها تشنه ی ملاصدرا و شیخ انصاری اند. این برداشتِ یك استاد غرب شناسِ زبان دانِ مسلط به چند زبان اروپائی است که سالها هم در آنجاها زندگی کرده و درس خوانده بود و با علوم اسلامی هم آشنا بود. این، برداشت اوست، که برداشت درستی است.

ما به این منطق قوی در درون خودمان و در دانشگاههای خودمان نیاز داریم. با زبان دانشگاهی، با زبان دانشجوئی بایستی این منطق توسعه پیدا کند. بعضی از اساتید محترمی که اینجا صحبت کردند، اشاره کردند که اساتید عزیزمان هم به این مسائل احتیاج دارند. اساتید هم خودشان را از آشنائی با معارف دینی بی نیاز ندانند. چند سال قبل یکی از محققان کتاب نویس در زمینه ی مسائل اسلامی که کتابهایش به زبانهای گوناگون ترجمه میشود و مشتریهای زیادی در اروپا و جاهای دیگر دارد و ما اطلاع داریم - من نمیخواهم اسم بیاورم - برای من ذکر میکرد که وقتی به کشورهای عربی و از جمله به کشورهای خلیج فارس که میروم، روشنفکرها و اساتید دانشگاههای آنجا با قرآن و حدیث آشناترند تا روشنفکرها و اساتید ما. این آقا این مطلب را حدود ده سال قبل به من میگفت. البته علت این است که زبان قرآن، زبان آنهاست ؛ مثل اینکه شما ضرب المثلی از سعدی، فردوسی یا حافظ در ذهنتان هست ؛ چون کتابهای آنها را خواندید و زبان خودتان بوده، در ذهنتان مانده، که حالا می بینید این ناطقان محترم هم که می آیند، بعضی از آنها با شعر و ادبیات شروع میکنند. آنها چون زبانشان با زبان قرآن یکی است - یکی از اقبالهای آنها این است که زبان قرآن، زبان خودشان است - این زبان را راحت میفهمند ؛ لذاست که با معارف قرآنی آشنا هستند. سیاستمدارانشان را هم که ما دیده ایم همینجورند ؛ سیاستمدارانشان هم که می آیند - حالا ولو آن آدمهای فاسق و

فاجر و دور از معنویات - یك آیاتی از قرآن، مطالبی از دین و متون دینی را بلدند و در ذهنشان هست. این کمبود است، ما باید جبران کنیم. حالا جبران اصولی و اساسی اش البته برنامه ریزیهای دیگری لازم دارد ؛ لیکن آن مقداری که در ارتباط با اساتید علی العجاله لازم است - که عمری را گذرانده اند و زحماتی کشیده اند - این است که با مسائل اسلامی و معارف اسلامی خودشان را آشنا کنند. واقعاً برنامه ریزی کنند برای این کار ؛ هم خود اساتید محترم، هم آقایانی که در دانشگاهها هستند، برنامه ریزی کنند. لیکن مخاطب عمده ی شما دانشجوها هستند.

به هرحال مسئله ی ارتقاء فکر دینی در دانشگاهها را بسیار جدی باید گرفت و مراقب باشید خلأ فکری برای دانشجوی ما و روشنفکر دانشگاهی ما به وجود نیاید. ما خیلی حرف داریم ؛ حرف گفتنی و قانع کردنی. باید تبلیغات را عمق داد ؛ با حرفهای نو و قوی و منطبق با معیارهای روشنفکری. من از اینکه گفته شود روشنفکری دینی آیا داریم، نداریم ؛ از این بحثها بنده بیگانه و بیزارم. نگاه نو، نگاه مبتکرانه به مسائل دینی و مسائل فکری اسلامی، همان نگاه روشنفکری است و معنایش بدعت گذاری نیست. همان مبانی را با ابعاد جدیدی که انسان به برکت گذشت زمان آن ابعاد را میشناسد، فهمیدن و بیان کردن. از این نبایستی ما غفلت کنیم.

به هرحال امیدواریم خداوند متعال همه ی شما برادران و خواهران عزیز را موفق بدارد ؛ مؤید بدارد. جلسه ی امروز هم جلسه ی خوبی بود ؛ برای بنده هم مفید بود. بعضی از خصوصیات را یادداشت کردیم و ان شاءالله تفاصیل آنچه را که گفتید، در مراکز موظف به این کار ؛ در دفتر خود ما و بیرون از دفتر خود ما، ان شاءالله بررسی میشود و دنبالگیری میشود و آنچه که اقدامش مربوط به ماست، ان شاءالله اقدام خواهد شد، آنچه هم که مربوط به مسئولان محترم دولتی است - که آقایان وزرا خودشان هم اینجا تشریف دارند - به آنها گفته خواهد شد که ان شاء الله دنبال شود.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته